

Hamzah Fansuri, the Indonesian Mystic, and His Influence from Persian Mystical Literature

Mohammad Fatemi Mehr ¹

PhD Candidate in Contemporary Muslim Thought, Higher Education Complex for Language, Literature, and Culturology

Received: 2025/06/06 | Accepted: 2025/06/17

Abstract

Hamzah Fansuri, the renowned Indonesian mystic of the tenth century AH, is regarded as the father of Islamic mysticism in the Malay language, having promoted the principles and foundations of Islamic Sufism in that linguistic and cultural context. This great mystic undertook numerous journeys, traveling to West Asia, including the Hijaz, Iraq, and Jerusalem. During these travels, he benefited from various scholars and Sufi masters—particularly those of the Qadiriyya order—and in terms of mystical thought, he was a follower of Muḥyī al-Dīn Ibn ‘Arabi. He articulated his mystical ideas through poetry and mystical prose, and for this reason is also recognized as the founder of mystical literature in Malay-speaking societies. One of his most significant characteristics was his mastery of Persian and Arabic mystical literature. Consequently, his works demonstrate extensive reliance on Persian mystical texts, to the extent that his treatises contain numerous references to the poetry of Persian-speaking mystics such as Rumi, Jami, Shabestari, and most extensively Fakhr al-Din ‘Iraqi, the celebrated Iranian mystic and poet. This article seeks to review his personality and key mystical features while examining the influence of Persian literature on his works.

Keywords: Hamzah Fansuri; Islamic Mysticism; Mystic; Mystical Literature; Persian Language; Malay Language.

1. E-mail: kazem.1991@gmail.com

حمزه فنصوری عارف اندونزیایی و تأثر او از ادبیات عرفانی فارسی

محمد فاطمی مهر^۱

دانشجوی دکتری اندیشه معاصر مسلمین، مجتمع آموزش عالی زبان، ادبیات و فرهنگ شناسی

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۳/۱۶ | تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۳/۲۷

چکیده

حمزه فنصوری عارف پر آوازه اندونزیایی قرن دهم هجری، پدر عرفان اسلامی در زبان مالایی است که اصول و مبانی عرفان اسلامی در زبان مالایی ترویج کرده است. این عارف بزرگ سفرهای متعددی داشته و به منطقه غرب آسیا حجاز و عراق و بیت المقدس هم رفته است. در این مسیر از علماء و مشایخ تصوف بهره برده است؛ بخصوص در طریقت از مشایخ قادریه استفاده کرده و به لحاظ اندیشه عرفانی پیرو محی الدین ابن عربی است. او اندیشه‌های عرفانی اش را در قالب اشعار و نثر عرفانی تبیین کرده است. از همین روی به عنوان پایه گذار ادبیات عرفانی در جوامع مالایی زبان، نیز شناخته می شود. از ویژگی های مهم او تسلط بر ادبیات عرفانی فارسی و عربی است. در نتیجه آثار او وابستگی فراوان به ادبیات عرفانی فارسی دارد به گونه ای که در رساله هایش استنادات فراوانی به اشعار عرفای فارسی زبان همچون مولوی، جامی، شبستری و مفصل تر از همه فخرالدین عراقی عارف و شاعر پر آوازه ایرانی دیده می شود. در این مقاله در تلاش هستیم تا ضمن مروری بر شخصیت و شاخص های عرفانی او، تأثیرپذیری از ادبیات فارسی را در آثار او مورد توجه قرار دهیم.

واژگان کلیدی

حمزه فنصوری، عرفان اسلامی، عارف، ادبیات عرفانی، زبان فارسی، زبان مالایی.

1. E-mail: kazem.1991@gmail.com

۱. پیشینه تحقیق

در عصر کنونی تلاش های پروفیسور سید نقیب العطاس عالم و دانشمند بزرگ مالایی زبان باعث گردید که تا نام فنصوری در جامعه مالایی زبان و نیز در فضای بین الملل دوباره زنده شود. عنوان رساله دکترای العطاس، "عرفان حمزه فنصوری"^۱ است این رساله در سال ۱۹۶۶ میلادی در دانشکده شرق شناسی دانشگاه لندن به انجام رسیده است. رساله شامل دو بخش دارد؛ بخش اول آن به شخصیت و شاخصه های عرفان فنصوری پرداخته و در بخش دوم سه کتاب از نوشته های فنصوری را از زبان جاوایی به زبان انگلیسی ترجمه شده است. رساله ای مفصل که در چاپ قدیمی آن بالغ بر ۸۵۰ صفحه است. ترجمه این آثار به انگلیسی سبب شد که در فضای انگلیسی زبان این عارف مالایی بیشتر مورد توجه محققین قرار گیرد و محققین متعددی از جمله براژینسکی^۲ پس از او هم بررسی آثار فنصوری توجه نشان دهند.

در میان مقالات فارسی زبان تا آنجا که تحقیق شد عمده مقالات ترجمه از نویسندگان شرقی یا اروپایی است و تحقیق مستقلی در زبان فارسی یافت نمی شود عمده ای مقالات به زبان انگلیسی و زبان مالایی است. البته مدخل حمزه فنصوری در دائرة المعارف بزرگ اسلامی نوشته ی خانم فاطمه لاجوردی آخرین مقاله فارسی در باب فنصوری است که نکات و ارجاعات مناسبی به منابع اصلی را دارد. البته در دهه اخیر تلاشی وافر از سوی دو محقق ارجمند آقای ذکرگو و خانم حاجی مهدی تاجر انجام گرفته است که در این تحقیق این سه کتاب فنصوری از زبان جاوایی به زبان فارسی برگردانده شده است و در ضمن آن تحقیق علمی پیرامون ارجاعات و مستندات کلام فنصوری شکل گرفته است که به صورت پاورقی آمده است؛ در این پاورقی ها تلاش شده است که منابع فارسی و عربی کلام فنصوری از اشعار ادباء و عرفای فارسی زبان مشخص گردد.

1. The Mysticism Of Hamzah Fansuri

2. Braginsky. Vladimir .I

۲. زندگی و شخصیت فنصوری

حمزه فنصوری -عارف و شاعر پر آوازه‌ی مالایی زبان- تأثیرات فراوانی در پایه گذاری و بسط اندیشه های عرفانی در جوامع مالایی زبان داشته است. تاریخ تولد و وفات او دقیقاً مشخص نیست اما آن چه که از تحقیقات انجام گرفته بدست می آید، در قرن اواخر قرن ۱۶ میلادی و اوایل قرن ۱۷ در قید حیات بوده است که معادل قرن دهم هجری است. (العطاس ۱۹۷۰، ص ۱۹) محل تولد او در شهر باروس یا فنصور در ساحل غربی سوماترا است به همین جهت به "فنصوری" ملقب شده است. (همان، ۲۰) او سفرهای متعددی داشته است از جمله سفر به سیام. در این شهر برای مدتی اقامت داشته و در آن جا با جمعی از علماء و اندیشمندان ایرانی مراوده داشت از طریق با زبان فارسی و عربی آشنا گردید. (فنصوری ۱۳۹۷، ص ۱۰) البته این قول، یک نظر درباره آشنایی او با زبان فارسی است. به گفته العطاس در این که فارسی را در کجا یاد گرفته است ابهام وجود دارد و با توجه به این که فنصوری از "شهر نو" در آثارش سخن گفته، امکان دارد این شهر مکانی در ایران باشد و "شهر نو" فارسی است و همانگونه که گزیده التاریخ اثر مستوفی ذکر کرده است، شهری به این نام در نزدیکی مراغه در استان آذربایجان وجود داشته و این نام نزد اروپاییان هم شناخته شده بوده است؛ این نکته می تواند احتمالی بر اقامت او در ایران باشد (العطاس ۱۹۷۰ ص ۳۰). در هر صورت، این آشنایی عمیق و تأثیر گذار بوده به گونه ای که برای او تسلط بر ادبیات فارسی و عربی بخصوص ادبیات عرفانی را فراهم نموده است که اثرات این امر در مکتوبات او بسیار مشهود است. (همان، ص ۳۵)

نکته دیگر سفر او به جنوب شرق آسیا است از عراق و حجاز تا بیت المقدس. در سفر به عراق در بغداد، در کنار مزار ملا عبدالقادر گیلانی اقامت داشته و استفاده از مشایخ صوفیه بخصوص طریقه قادریه کرده است و به این طریقت پیوسته است و مشایخ آن طریقت کسب اجازه نموده است (همان، ص ۳۱). این سفرهای ذکر شده به منطقه خاورمیانه خود می تواند مویدی بر حضور یا اقامت در ایران و یا حداقل عبور از آن باشد زیرا که در گذشته مسیر تجاری زمینی از شرق به غرب - معروف جاده ابریشم - از ایران می گذشته است. به هر روی شناخت او با خاستگاه اصلی اسلام صرفاً یک امر ظاهری همانند گردشگران و سفرنامه نویسان قدیم نیست بلکه او در تراز یک اندیشمند و انسان



دغدغه مند در این منطقه حضور یافته که نتیجه آن در تسلط عمیق بر زبان عربی و فارسی از سویی است و از سویی دیگر هم نشینی با علماء و عرفا است که منجر به تربیت عالمی عارف از جناب فنصوری است که همه به لحاظ علمی مسلط بر مباحث مختلف است - چنانچه که کتب او مملو از اشارات متعدد به دیدگاههای علماء فرق مختلف اسلام در مباحث کلامی و اعتقادی و به نقد آنان است - و هم به لحاظ معنوی خود به مقام استادی و رهبری جریان تصوف در منطقه مالایی زبان تبدیل گردیده است. تاثیر شخصیت فنصوری در عرفان اسلامی در میان مالایی زبانان به گونه است که او را پدر عرفان اسلامی مالایی برشمرده اند که اصول عرفان اسلامی در قالب شعر به زبان مالایی آورده است و به واسطه استفاده از زبان شعر، بنیانگذار ادبیات عرفانی مالایی یعنی شعر عرفانی، نیز محسوب می شود. (همان ص ۳)

۳. بررسی اجمالی آثار او

از او مجموعه اشعاری توسط دروز^۱ و براکل^۲ جمع آوری شده است که شامل ۳۲ شعر است (سراج ۲۰۲۱). این مجموعه اشعار به فارسی ترجمه نشده است اما سه رساله به نامهای شراب العاشقین، اسرار العارفین، المنتهی که مهمترین متون عرفانی او است که اخیرا زبان فارسی ترجمه شده اند اصل این آثار به خط جاوی است.^۳ در هر سه رساله تکیه ملموسی بر ادبیات عرفانی فارسی شده است که در ادامه در ضمن اشاراتی خواهد شد.

۳.۱. کتاب اسرار العارفین

کتاب اسرار العارفین به بیان اسرار سلوک و علم توحید می پردازد. شیوه نگارش رساله به لحاظ موجز نویسی شبیه لمعات عراقی و منظومه ملاهادی سبزواری است. جناب فنصوری، پس از بیان مباحث عرفانی در قالب شعر، شرحی مختصر بر این اشعار نوشته است که در آن، اساس مطالب به صورتی موجز و اشاره وار تبیین شده است. با وجود این همچنان نیازمند تفسیر و تبیین بیشتر است تا عمق مباحث عرفانی آن آشکار گردد. این کتاب دارای

1. G. W. J. Drewes

2. L. F. Brakel

۳. این خط، خط قدیمی مردم مالایی زبان بوده که تا قبل سطره اروپایی ها بر مجمع الجزایر اندونزیی مورد استفاده قرار می گرفته است در این رسم الخط از حرف عربی برای نوشتار زبان جاوی استفاده شده است.

۶۲ بند و عنوان کلی تنظیم شده است. در بند ۴ اشعاری از جناب فنصوری آمده که در قالب ۱۵ دو بیتی معارف عرفانی مورد نظر را اشاره می کند.^۱ پس از پایان این ابیات از بند پنجم به شرح این ابیات پرداخته است.

او در مجموع این ابیات و شرحش به شناخت هستی و انسان بر وزان عرفان اسلامی می پردازد که به خوبی می توان تأثر او را از نظام عرفانی ابن عربی متوجه شد. عمده مباحث این رساله پیرامون توحید از نگاه عرفان اسلامی است البته مقداری هم به بحث انسان کامل و فناء پرداخته است. غالب استنادات جناب فنصوری در این رساله به آیات قرآن کریم و احادیث نبوی است البته از سخنان عرفا نیز استفاده شده است که رجوع به کلمات فخرالدین عراقی در لمعات بیش از همه است. به گونه ای که بیش از نیمی از استنادات به کلمات عرفا، مربوط به اشعار عراقی در لمعات است. در بخش انتهایی آن اشاره ای دارد به لزوم تبعیت از دستورات شریعت و تأکید می کند که بدون پیروی از شریعت معرفت و حقیقت ممکن نیست (فنصوری ۱۳۹۷ ص ۸۹).

۳.۲. کتاب شراب العاشقین

این کتاب ۷ بخش دارد و در آن از ۴ رکن اساسی شریعت، طریقت، حقیقت، معرفت سخن به میان آمده است. در مقدمه این رساله توضیح می دهد که در تلاش است که در این کتاب راه وصول به حق تعالی و معرفت را به زبان مالایی بیان کند برای کسانی که با زبان عربی و فارسی آشنا نیستند. (همان ص ۹۵) همین نکته خود می تواند مویدی باشد بر اینکه پیش از او در زبان مالایی اثری قابل توجه پیرامون مسائل عرفانی و سلوکی وجود نداشته است و مشتاقان این مباحث می بایست به کتب فارسی یا عربی مراجعه می کردند که از مقدور همگان نیست.

۳.۳. رساله المنتهی

این رساله که رساله ای موجز و مختصر است در ۳۱ بند تنظیم شده است و در آن آیات و روایات و اشعار فراوانی استفاده است به گونه ای که میزان استنادات به اقوال دیگر این

۱. البته در تحقیق و ترجمه فارسی این کتاب ۴ بیت دیگر اضافه شده است که در نسخه العطاس نیست و محقق محترم آن را دارای اصالت نمی داند. (ر.ک فنصوری ۱۳۹۷ ص ۲۱)



رساله از دو رساله دیگر، بیشتر است و از زبان دیگر سخن را بیان داشته است. به جهت محتوایی بخشی از این رساله درباره معرفت رب از طریق معرفت نفس است؛ بخشی دیگر از این رساله وصف فناء فی الله است که در آن از تعبیر عرفا مختلف استفاده شده است. از جهت عنوان رساله همه نام انتخاب شده، تناسب بسیاری با محتوا دارد و در آن منتهای سلوک یک سالک یعنی وحدت با حضرت حق و فناء فی الله را ترسیم شده است.

۴. استفاده گسترده از سخنان مشاهیر عرفان و ادب فارسی و عربی

جناب فنصوری شناخت گسترده از شخصیت های عرفانی دارد و با آثار آنها انس دارد این ویژگی از استنادات متعدد او به کلام آنان یافت می شود. در همین سه رساله کوچک از افراد بسیاری نام برده است سعدی شیرازی (م ۶۹۱ ه.ق)، حلاج (م ۳۰۹ ه.ق)، فخرالدین عراقی (م ۶۸۶ ه.ق)، جنید بغدادی (م ۲۹۷ ه.ق)، بایزید بسطامی (م ۲۳۴ یا ۲۶۱ ه.ق)، شیخ محمود شبستری (م ۷۲۰ ه.ق)، شبلی (م ۳۳۴ ه.ق)، شاه نعمت الله ولی (۸۳۴ ه.ق)، ملا عبدالرحمان جامی (م ۸۹۷ ه.ق)، ابن عربی (م ۶۳۸ ه.ق)، شمس تبریزی (م قرن ۷ ه.ق)، شمس مغربی تبریزی (م ۸۰۹ ه.ق)، امام محمد غزالی (م ۵۰۵ ه.ق)، مولوی (م ۶۷۲ ه.ق)، عین القضات همدانی (م ۵۲۵ ه.ق)، هجویری (م ۴۶۵ ه.ق)، عطار نیشابوری (م ۶۱۸ ه.ق) و... این افراد قله های عرفان اسلامی و ادبیات عرفانی محسوب می شوند و نوشته های جناب فنصوری مملو است از استفاده مناسب از کلمات این مشاهیر. این میزان استفاده و تسلط او بر اشعار و کلام این بزرگان از شخصیتی غیر فارس زبان و متعلق به جغرافیایی بسیار دور از منطقه غرب آسیا، حیرت انگیز است؛ بخصوص در رساله المنتهی استناد به اشعار و کلمات عرفای فارس و عرب زبان بسیار زیاد است، از همه بیشتر فخرالدین عراقی و محی الدین ابن عربی است. می توان ادعا کرد که رساله المنتهی، بسیار متأثر از رساله لمعات عراقی است به گونه ای که در ۱۰ بند از ۳۱ بند این رساله مستقیماً به اشعار لمعات عراقی اشاره شده است.

۵. برخی از شاخصه های عرفان اسلامی و استفاده فنصوری از اشعار عرفانی در تبیین آنان

آن گونه که از محتوای نوشته های جناب فنصوری بدست می آید و محققین گفته اند فنصوری در مباحث عرفان نظری پیروی مکتب ابن عربی است و اصول عرفانی او را ترویج

می‌کند (العطاس ۱۹۷۰ ص ۳۵) البته به لحاظ سلوکی و عرفان عملی پیروی طریقه قادریه است و از مشایخ این طریقه کسب اجازه کرده است (همان، ص ۳۱). شاید یکی از دلایل استفاده گسترده از اشعار فخرالدین عراقی انتساب عراقی به ابن عربی باشد. مطابق برخی از نقلها جناب عراقی در قونیه به ملاقات قونوی^۱ رفته و فصوص الحکم ابن عربی را از او استماع کرده است و در همین اثناء کتاب لمعات را نوشته است. (عراقی ۱۳۶۳ ص ۸؛ امینی نژاد ۱۳۹۰ ص ۴۷)

بررسی و تطبیق عناصر اصلی تفکر عرفانی جناب فنصوری این امر را بهتر آشکار می‌کند؛ برخی از این عناصر عبارتند از:

۵.۱. همراهی شریعت، طریقت و حقیقت

این امر از مشخصه های سلوکی اهل عرفان و تصوف است و مبنایی مهم در درست بودن طریقت محسوب می‌شود و شاخصی برای تمییز عرفان حقیقی از کاذب. در بین طرق صوفی، میزان پایبندی به دستورات شریعت متفاوت است برخی از طرق یا نحله های منشعب از یک طریقت با ادعای رسیدن به حقیقت، التزام به دستورات شریعت را لازم نمی‌دانند و مدعی هستند که التزام به شریعت امری برای متبدیان است؛ البته این سخن مورد پذیرش عارفان بزرگ در تاریخ تصوف نیست و این بزرگان در آثار خود مکرر درصدد طرد این سخنان نادرست برآمده اند. (علی آقانوری، ۱۳۸۱) جناب فنصوری با توجه به این انحراف بر نفی تاکید دارند و در مثالی زیبا بر لزوم همراهی این سه گانه توجه می‌دهد. "شریعت همانند حصار است و طریقت همچون خانه است و حقیقت محتوای خانه است اگر خانه حصار نداشته باشد مردم به خانه هجوم آورده و محتوای آن را می‌ربایند. اگر سالک هم مقید به شریعت نباشد شیطان وی را راهزنی می‌کند." (فنصوری ۱۳۹۷ ص ۹۷) و یا در عبارتی او این شعر منسوب به شمس تبریزی نقل کرده است:



۱. لازم توجه است قونوی فرزند خوانده و شاگرد اصلی ابن عربی است که در تبیین و تفسیر و اشاعه مکتب ابن عربی نقش اساسی دارد. رک حکمت عرفانی ص ۴۶

شریعت را مقدم کردم اکنون حقیقت از شریعت نیست بیرون
کسی کو در شریعت راسخ آید حقیقت راه بر وی خود گشاید

(همان ص ۱۰۱)^۱.

۵.۲. وحدت وجود

وحدت وجود عنصری اصلی عرفان نظری اسلامی است بخصوص با شکل گیری مکتب عرفانی ابن عربی این اصل جایگاه واقعی و اصلی خود را در مباحث توحید عرفانی پیدا کرده است. به لحاظ سلوکی نتیجه عالی در سلوک رسیدن به شهود وحدت وجود است. وحدت شخصی وجود در حقیقت همان توحید از منظر عرفاست قیصری در مقدمه شرح فصوص این امر را چنین معنا می کند "و هو [الوجود] حقیقه واحده لا تكثر فيها، و كثرة ظهوراتها و صورها لا یقدح فی وحدة ذاتها" (قیصری؛ ۱۳۷۵، ص ۱۶) وجود حقیقت واحدی است که تكثر در آن راه ندارد و تكثر ظهورها و صورتها به وحدت ذاتی آن آسیبی نمی رساند. این مفهوم توسط جناب فنصوری در عبارتهای مختلف ارائه شده است در برخی از موارد از اشعار فارسی استفاده شده است مثل این عبارت لمعه سوم از لمعات عراقی:

"دریای کهن چو زند موجی نو موجش خوانند و در حقیقت دریاست"

(فنصوری ۱۳۹۷ ص ۶۲)

و یا بیت منقول از لمعه دوم:

"معشوق و عشق و عاشق هر سه یک است اینجا چون وصل در نگنجد هجران چه کار

دارد" (همان ص ۱۵۰)

یا شعر ملا عبدالله جامی:

همسایه و همنشین و همره همه اوست در دلق گدا و اطلس شه همه اوست

۱. لازم ذکر است محقق کتاب، آدرس منبع را ذکر نکرده است که نشان دهنده دست نیافتن بر اصل این شعر است. در منابع شعر فارسی دو شخصیت با نام شمس تبریزی وجود دارد یک شمس الدین محمد تبریزی (۵۸۲-۶۴۵ ه.ق) استاد مولوی، شاعر معروف و صاحب کتاب مقالات و دیگری ملا محمد شمس مغربی تبریزی (۷۴۹-۸۰۹ ه.ق) که بیشتر شمس مغربی معروف است و دیوان مغربی از آن اوست. در رسائل فنصوری از هر دو شخصیت نام برده شده است.

(همان ص ۱۴۴)

۵.۳. فناء

فناء یا فناء فی الله بالاترین مرتبه سلوک الی الله است که خود شامل سه مرتبه فناء ذاتی، صفاتی و افعالی است در تبیین و تفسیر این امر که غایت سلوک محسوب می شود بیانات مختلفی آمده است جناب فنصوری در رساله های خود برای تبیین این امر از جنبه های مختلف وارد شده است از آیات و روایات و سخن عرفا استفاده کرده است همچنین از اشعار عرفای استفاده شده است؛ به عنوان مثال شعر منسوب به ابوسعید ابو الخیر:

آترا که فنا شیوه و فقر آیین است نه کشف یقین نه معرفت نه دینست
رفت او ز میان همین خدا ماند خدا الفقر اذا تم هو الله اینست

(همان، ص ۷۸)

یا شعر سعدی

ای مرغ سحر عشق ز پروانه بیاموز کان سوخته را جان شد و آواز نیامد
این مدعیان در طلبش بی خبرانند کانرا که خبر شد خبری باز نیامد

(همان ص ۸۲)

۵.۴. عشق

عشق از مفاهیم پر تکرار در نوشته های فنصوری است و همان طور که گذشت رساله دوم او شراب العاشقین است. عشق و عاشق و معشوق در ادبیات عرفانی نیز از کلمات اساسی است و رابطه بندگان با خداوند قالب این کلمات ترسیم می شود. در همین رساله باب هفتم در بیان عشق و شکر است. در ابتدای این بخش دارد که:

"بدان که عشق در میان همه مراتب شریف بالاترین مرتبه را دارد چون عشق را نمیتوان با تلاشهای فردی و بدون لطف خداوند سبحانه و تعالی دریافت نشان عشاق این است که از مرگ ترسی ندارند اگر کسی از مرگ بترسد عاشق نیست، چرا که عشاق اشتیاق مرگ دارند. پیامبر خدا (ص) می فرماید: مَنْ مَاتَ مِنَ الْعِشْقِ فَقَدْ مَاتَ شَهِيداً"

این بیان و عبارت شبیه کلام مولوی در غزلیات شمس است که:

بمیرید بمیرید در این عشق بمیرید در این عشق چو مردید همه روح پذیرید



بمیرید بمیرید و زین مرگ مترسید
 بمیرید بمیرید و زین نفس بیرید
 یکی تیشه بگیرید پی حفره زندان
 بمیرید بمیرید به پیش شه زیبا
 بمیرید بمیرید و زین ابر برآید
 خموشید خموشید خموشی دم مرگست
 کز این خاک برآید سماوات بگیرید
 که این نفس چو بندست و شما همچو اسیرید
 چو زندان بشکستید همه شاه و امیرید
 بر شاه چو مردید همه شاه و شهیرید
 چو زین ابر برآید همه بدر منیرید
 هم از زندگست اینک ز خاموش نفیرید
 (مولوی ۱۳۷۸ ص ۵۸)

یا در ادامه متن فنصوری به لحاظ محتوای سخنان او نزدیک غزل عراقی است که با این ابیات شروع می شود:

من مست می عشقم هشیار نخواهم شد
 امروز چنان مستم از باده دوشینه
 تا هست ز نیک و بد در کیسه من نقدی
 آن رفت که می رفتم در صومعه هر باری
 از توبه و قرایی بیزار شدم، لیکن
 از دوست به هر خشمی آزردن نخواهم گشت
 چون یار من او باشد، بی یار نخواهم ماند
 وز خواب خوش مستی بیدار نخواهم شد
 تا روز قیامت هم هشیار نخواهم شد
 در کوی جوانمردان عیار نخواهم شد
 جز بر در میخانه این بار نخواهم شد
 از رندی و قلاشی بیزار نخواهم شد
 وز یار به هر زخمی افکار نخواهم شد
 چون غمخورم او باشد غم خوار نخواهم شد
 (عراقی، ص ۱۸۷)

این دو غزل شاهدهی از میان هزاران بیت شعر فارسی که ادبیات عرفانی است که رابطه عبد و معبود را در قالب عاشق و معشوق ترسیم کرده است. چه بسا پرتکرار بودن مفاهیم عاشقانه در عبارات فنصوری به سبب تاثیر پذیری از او ادبیات فارسی دارد که به گفته برخی از محققین ادبیات عرفانی فارسی، زبان نخست عرفان و تصوف اسلامی است.

۶. جایگاه اشعار او در ادبیات مالایی

در مورد جایگاه فنصوری در ادبیات مالایی بخصوص ادبیات عرفانی محققین معترف هستند که او نخستین شخصی است که اشعار عرفانی را وارد ادبیات مالایی کرد و حتی برخی از گونه های شعری مالایی را به او نسبت داده اند. مضاف بر آن به جهت تسلط بر زبان فارسی و عربی از سویی و از سویی دیگر تسلط بر علوم اسلامی بخصوص عرفان، اصطلاحات علمی عرفانی را وارد ادبیات مالایی کرده و آنها را بومی سازی کند. نکته سوم

ورود صنایع ادبی فارسی و عربی به ادبیات مالایی توسط اشعار فنصوری است. (لاجوردی ۱۳۹۸)؛ نکته آخر آن که اشعار و نوشته جناب فنصوری تنها نوشته های عرفانی و ادبی متأثر از ادبیات فارسی نیستند می تواند گفته راهی که او شروع کرد پس از او ادامه پیدا کرد از جمله شاگرد او شمس الدین سوماترای (م ۱۰۳۹ ق / ۶۳۰ م). او هم همانند فنصوری به زبان فارسی تسلط دارد و رساله «حق الیقین فی عقیده المحققین» نوشته است در این کتاب خود از نوشته های شبستری و ملا عبدالرحمان جامی استفاده می کرده است. (نسرین ۲۰۱۶)

جمع بندی

آن چه که بیان شده مروری بر شواهد تأثیری ادبیات عرفانی فارسی بر شکل گیری مکتب عرفانی و ادبیات عرفانی در زبان مالایی توسط جناب فنصوری است از سویی دیگر نشان دهنده جاذبه ها و قدرت ادبیات فارسی در شکل دهی به جریات فرهنگی و اجتماعی در بیرون جغرافیای فارسی زبانان است. این مهم خود می تواند الگویی برای ترویج و توسعه ظرفیت های تمدن کهن ایران زمین در میان دیگر اقوام جهان بخصوص ملت های مسلمان دارد. بخصوص آن که ایران به عنوان یکی از پایه اصلی فرهنگ معنوی اسلام و جریانات تصوف محسوب می شود، همچنان توانایی استفاده از این ظرفیت برای ترویج معارف عمیق اسلام و اهل بیت دارد.

فهرست منابع

۱. آقانوری علی؛ تصوف و شریعت؛ مجله هفت آسمان ۱۳۸۱ شماره ۱۶
۲. امینی نژاد، علی حکمت عرفانی، موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی ۱۳۹۰ قم
۳. عراقی فخرالدین؛ کلیات عراقی؛ محقق / مصحح: سعید نفیسی؛ انتشارات سنائی؛ چاپ: چهارم ۱۳۶۳، تهران
۴. فنصوری حمزه؛ سه رساله اسرار العارفین، شراب العاشقین، المنتهی؛ تحقیق و ترجمه امیر حسین ذکریگو و لیلا حاجی مهدی تاجر نام ناشر: مرکز پژوهشی میراث مکتوب چاپ اول ۱۳۹۷ تهران
۵. قیصری داود، شرح فصوص الحکم (القیصری)؛ محقق / مصحح: سید جلال الدین آشتیانی



۶. لاجوردی فاطمه (۱۳۹۸)، حمزه فنصوری، سید کاظم موسوی بجنوردی (ویراستار) دائرة

المعارف بزرگ اسلامی، مرکز دائرة المعارف بزرگ اسلامی، تهران، مشاهده از

7. <https://www.cgie.org.ir/fa/article/236656>

۸. مولوی جلال الدین محمد، کلیات شمس یا دیوان کبیر با تصحیحات و حواشی بدیع الزمان

فروزانفر جلد ۱ انتشارات امیرکبیر تهران، ۱۳۷۸

9. Al-Attas, S. M. N., *The Mysticism Of Hamzah Fanṣūrī*, Kuala Lumpur, 1970

10. Braginsky, V. I., «Towards the Biography of Hamzah Fansuri. When Did Hamzah Live? Data from His Poems and Early European Accounts», *Archipel*, 1999, vol. LVII;

11. Siraj Fuad Mahbub, *The Effect of Hamzah Fansuri's Mystical Thought To The Muslim Intellectual Tradition in The Archipelago*, IBDA': Jurnal Kajian Islam dan Budaya, Vol. 19, No. 2, Juli - Desember 2021, DOI: 10.24090/ibda.v19i2.

12. Nasir M.N.M, *Convergences And Divergences In Understanding ,A Malay Sufi Text Of The 17th Century , Islam And Civilisational Renewal*, ICR Journal Vol 7.3 , Kuala Lumpur, 2016

